

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه دهم اردی بهشت ماه ۱۳۲۳ *

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - اعلام جرم نسبت با آقای تدین از طرف آقای سید محمد طباطبائی
- ۳ - قرائت گزارش کمیسیون عرایض راجع به نتیجه رسیدگی به اعلام جرم آقایان سهیلی و تدین
- ۴ - مذاکره و تصویب نمایندگی آقایان شریعت زاده و یمن اسفندیاری
- و رحمان قلی خلعت بری
- ۵ - مذاکره و تصویب نمایندگی آقایان حسین تهرانی و فیروز آبادی
- ۶ - تقدیم لایحه مربوط بترتیب امور زندان
- ۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای امیر تیمور (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۷ اردی بهشت ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ***

[۱ - تصویب صورت مجلس]

و هم بوسیله همکاران محترم بنده شفاهاً تذکر داده‌ام در صورتی که همیشه بنده را جزو غائبین بی اجازه ثبت میکنند مثل این که عمداً این کار را میکنند

نایب رئیس - تعمدی نبوده است اصلاح میشود آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی - راجع به پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان بنده میخواستم عرض کنم که سوء تفاهمی نشود آقای فرمانفرمائیان روزهای چهارشنبه را مخصوص سؤال از

نایب رئیس - در صورت جلسه نظری نیست؟

کاظمی - گزارش روز پنجشنبه مبنی بر اعتبار نامه آقای شریعت زاده مطرح بود بنده مخالفت کردم قید نشده است

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای دکتر رادمنش

دکتر رادمنش - نام بنده جزء غائبین بی اجازه ثبت شده است در صورتی که بنده کتباً بدفتر مجلس اطلاع داده‌ام

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح بیست و پنجمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

*** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه : آقای مسعودی
 غائبین بی اجازه : آقایان : دکتر مصدق - تهرانی - دکتر رادمنش - ذوالقدر - فدakar - عامری
 دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : جواد مسعودی - فرود - تربتی - اکبر

آقایان وزراء پیشنهاد فرمودند ولی نطق قبل از دستور و بعد از دستور را از بین نبرده اند بنابراین نطق قبل از دستور در هر جلسه بحال خودش باقی است

نایب رئیس - آنچه که مجلس نسبت به پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان رأی داد راجع به سئوالات تهنان بود در جلسه قبل این طور موافقت شد که نطقهای قبل از دستور هم روزهای چهارشنبه باشد و حالا البته باز بسته بتصویب مجلس است

نایب رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - اینکه آقای دکتر رادمثنی فرمودند تعمدی بوده است خیر اینطور نیست جریانی دارد که باید برود کمیسیون و الا عذر جناب عالی کاملاً موجه بوده و اصلاح هم میشود

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - بنده از آقای وزیر خارجه سئوالی کرده ام که باید زودتر برای جواب حاضر شوند

نایب رئیس - آقای فرمانفرمائیان

فرمانفرمائیان - بنده خواستم توضیحی عرض کنم که نسبت به پیشنهادی که کرده بودم عرض نکردم که نطق قبل از دستور یکی موقوف شود و منحصر آدر روزهای چهارشنبه باشد البته ممکن است یک موقعی ضرورت ایجاد کند که قبل از دستور صحبت شود ولی در واقع روزهای چهارشنبه بطور کلی روز سئوال از آقایان وزراء و نطقهای قبل از دستور باشد

نایب رئیس - دیگر نظری در صورت جلسه نیست (گفته شد - خیر) صورت جلسه تصویب شد غده ای از آقایان اجازه خواسته اند که قبل از دستور صحبت کنند آقای اردلان **اردلان** - بنده مخالفم به این که قبل از دستور صحبت کنند

نایب رئیس - آقای سیف پور فاطمی

سیف پور فاطمی - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای اردلان

اردلان - بنده عرض میکنم که روز اول آمدیم ۶۴ اعتبارنامه را تصویب کردیم و بعد خیال میکردیم که بقیه

تعقیب کیفری او را تقاضا مینمایم) این را بنده بامداد امضاء کردم و اگر لازم شد بعد با امر کب امضاء میکنم.

جمعی از نمایندگان - دستور.

[۳ - قرائت گزارش کمیسیون عرایض راجع به نتیجه رسیدگی به اعلام جرم آقایان سهیلی و تدین]

نایب رئیس - آقایان اجازه میفرمایند وارد دستور شویم (اظهار شد - بلی) گزارشی از کمیسیون عرایض رسیده است بعرض مجلس شورای ملی میرسد:

مجلس شورای ملی - خبر کمیسیون عرایض راجع باعلام جرمی که آقای مهدی فرخ نماینده محترم مجلس نسبت به آقای علی سهیلی نخست وزیر پیشین و آقای تدین وزیر کشور پیشین نموده بودند به پیوست تقدیم میشود.

خبر کمیسیون عرایض:

در موضوع اعلام جرمی که آقای مهدی فرخ نماینده محترم مجلس نسبت به آقای علی سهیلی نخست وزیر پیشین بشرح زیر نموده اند.

موضوع مداخله و اعمال نظر در انتخابات بندر عباس. ۱ - پیش نویس تلگرافی بدون تاریخ و شماره ملاحظه شد بمفاد اینکه آقای دکتر مصباح زاده را فراموش ننمائید ۲ - تلگراف شماره ۳۰۳۷ فرماندار بندر عباس خطاب به آقای نخست وزیر بمفاد اینکه ۱۵۵۹ طاعت میشود در صورتیکه برای پیش نویس بدون شماره و تاریخ بالا آتاری در دفتر نخست وزیر ملاحظه نشد.

۳ - پیش نویس تلگراف بدون تاریخ و شماره خط آقای علی سهیلی به فرماندار بندر عباس بمفاد اینکه راجع به انتخابات لازم است نهایت بیطرفی را اعتدال و یکلی از هر نوع مداخله احتمالی خود داری نمائید.

موضوع مداخله و اعمال نظر در انتخابات شهرضا:

۱ - پیش نویس بدون تاریخ و شماره بمفاد اینکه ۴۰۶ نظر همان است که حضور امدا کرده شد اهتمام نمائید همانطور عمل شود ممکن است انتخابات چند روز تأخیر افتد.

۲ تلگراف شماره ۱۲۸۹ مورخه ۲۲/۷/۱۹ صادره از طرف نخست وزیر خطاب بفرماندار شهرضا بمفاد اینکه

که بمن رسیده بود و یکی از رفقای محترم مجلسیمان هم کاملاً وارد بود و اطلاع داشت آنرا بعرض مجلس برسانم و تعقیب آن شخص رامطابق قانون ومقررات تقاضا کنم وحالامشروحه را که قبلانهم کرده بودم اگر اجازه بفرمائید میخوانم و تقدیم مقام ریاست میکنم:

(مجلس شورای ملی درسنه گذشته آقای سید محمدتدین ظاهراً بعنوان تنظیمات خواربار آذربایجان و معنماً برای سوء استفاده از مقام خود مبادرت بمسافرت نموده و در نتیجه عمل ذیل را بضرردولت وسوء استفاده شخصی انجام داده است نرخ گندم در بازار آزادحداً کثر تنی هفت هزار ریال و قند وشکر کیلوئی ۱۳۰ ریال وشکر ۱۲۰ ریال معامله میشده است. آقای تدین پنج هزار تن گندم بوسیله آقا بزرگ ابراهیمی و عبدالله خدیوی بدون اعلان مناقصه خریداری نموده و قیمت آنرا از قرار ۱۲۰ کیلو قند و شکر تحویل نموده است در صورتیکه غده ای پیشنهاد داده بودند که با ۷۵ کیلو قند وشکر در مقابل یک تن گندم تحویل نمایند ولی آقای تدین بضرر دولت ۱۲۰ کیلو قند وشکر در مقابل یک تن گندم تحویل نموده است که خسارت دولت از این عمل مقداریکه مبادله شده است عبارت است از ۱۶۵۷۵۰۰۰ ریال وبا اینکه این جنس بایستی در تبریز تحویل میشد معادل ۱۵۴۲۵۰۰۰ ریال نیز مصرف حمل جنس کرده اند که جمعاً خسارات دولت عبارت است از ۳۲۰۰۰۰۰۰ ریال و آقای تدین ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال نیز بدون رعایت مقررات قانون چک صادر کرده و به آقا بزرگ ابراهیمی پرداخته است که بهمین وسیله سوء استفاده هائی بعمل آمده است علاوه بر عملیات فوق الذکر برای جابجا کردن این مقدار قند وشکر که مورد سوء استفاده واقع شده مرتکب خلاف دیگری نیز شده اند زیرا قند و شکری که برای حفظ صحت فقراء و بیچارگان بهر فردی ۵۰۰ گرم در ماه داده میشود به ۳۰۰ گرم تقلیل داده تابتوانند محل قند وشکر مورد سوء استفاده شخصی را پر نمایند علیهذاطبق ماده ۱۵۳ قانون کیفر همگانی و ماده ۱ و جزء ۲ از ماده ۲ قانون محاکمه وزراء نسبت به آقای تدین اعلام جرم نموده و

یکی ز کاندیدهای آنجا از بخالت شما در امر انتخابات شکایت دارد مقتضی است بیطرفی خود را حفظ نمائید تا شکایتی پیش نیاید.

۳ - پاسخ فرماندار شهرضا به تلگراف بالای شماره ۳۲۳ بمفاد اینکه انتخابات شروع نشده اوامر مبارک کاملاً بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

۴ - تلگراف شماره ۱۹۱۵ مورخه ۲۸/۱۰/۲۲ بمضای آقای علی سهیلی نخست وزیر خطاب به آقای بهرامی استاندار استان دهم بمفاد اینکه چون آزادی انتخابات شهرضا مورد نظر است به مأمورین حوزه انتخابی ابلاغ فرمائید از هرگونه مداخله خودداری و برطبق وظایف خود ناظر جریان انتخابات و حفظ انتظامات باشند.

۵ - تلگراف شماره ۱۹۱۶ مورخه ۲۸/۱۰/۲۲ صادره از طرف آقای علی سهیلی نخست وزیر خطاب به سرلشکر جهانبانی بمفاد اینکه چون آزادی انتخابات شهرضا مورد نظر است به لشکر ۹ و ژاندارمری اصفهان و شهرضا و لنجان و مخصوصاً ابرقو دستور فرمائید از هرگونه مداخله خودداری و فقط مراقب انتظامات باشند.

۶ - پاسخ تلگراف شماره ۱۹۱۶ بشماره ۵۰۹۶ مورخه ۲۲/۱۱/۲ امضاء سرلشکر جهانبانی عنوان نخست وزیر که مفاد امریه ۱۹۱۶ بموقع اجرا گذارده شد.

۷ - دو گزارش دیگر بشماره های ۴۰۶ و ۴۷۱ مورخه ۲۲/۸/۱۷ بمضای آقای میکده فرماندار شهرضا ملاحظه شد که توضیحاتی در اطراف وضعیت انتخابات آن حوزه و زمینه کاندیدها و تمایلات اشخاص و معرفی کاندیدای دیگر از طرف خود او است و بطور خلاصه کسب دستور کرده است.

کمیسون عریض بر عایت مفاد ماده سوم قانون محاکمه وزراء با مراجعه بمدارک پیوست بورقه اعلام جرم وملاحظه اصل و رونوشت تلگرافات و مدارک ارسالی از دفتر نخست وزیر در هر دو موضوع فوق ادامه تحقیقات را بانفاق آراء غیر لازم میداند.

۴۱ - مذاکره و تصویب نمایندگی آقایان شریعت زاده و یمین اسفندیاری و رحمن قلی خلعت بری

نایب رئیس - گزارش شعبه دوم راجع بانخابات بابل ورد نمایندگی آقای شریعت زاده مطرح است آقای کاظمی کاظمی - مطالبی که بعرض مجلس شورای ملی میخواهم برسانم برای روشن شدن يك حقیقتی است و مقصود دفاع از آقای شریعت زاده نیست و امیدوارم بتوانم این مقصود و منظور را بوجه اكمال انجام بدهم و توجه نمایندگان محترم را باین موضوع جلب کنم. راجع به شخصیت آقای شریعت زاده وسوابق زندگانی و معروفیتشان در مازندران محتاج به طول وتفصیل زیاد نیست و تصور میکنم همه آقایان نمایندگان محترم کم و بیش آگاه هستند (صحیح است) ولسی با احتمال اینکه شاید بعضی از آقایان نمایندگان بطور کافی ایشان را نشناسند این است که خیلی مختصر مراتب فضلی و خانوادگی ایشان را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم آقای شریعت زاده از خانواده های خیلی معروف مازندران هستند و یکی از خانواده های است که در مازندران به فضلی و تقوی شهرت زیادی دارند (صحیح است) پدر آقای شریعت زاده مرحوم حاج میرزا حسین مجتهد آملی است و جدش مرحوم حاج شیخ اسمعیل مجتهد است که معاصر بامرحوم آقا میرزا محمد تقی نوری معروف بوده که مقلد عمومی کل ایران و جد اعلاش مرحوم حاج میرزا حسن آملی است و از طرف مادری آقای شریعت زاده نواده مرحوم اسدالله خان سه کوهی است که یکی از رجال خیلی معروف و بزرگ مازندران است. آقای شریعت زاده در سن سیزده چهارده سالگی پس از اینکه مقدمات تحصیلاتشان را در فارسی و عربی بحد کمال رسانند جزو اشخاصی بود که در آن مدارس که در آن وقت بیش از چند مدرسه هم نبوده است که از جمله مدرسه اسلامیة بوده است که بوسیله آقای میرزا سید محمد طباطبائی پدر آقای میرزا سید محمد صادق طباطبائی رئیس فعلی مجلس شورای ملی ریاست آن مدرسه را بعهده داشتند در آن مدرسه مشغول تحصیل شدند و حدود تحصیلات آن وقت بالاتر از تحصیلات ابتدائی کنونی بوده است و در مدرسه

بشهادت معلمینی که الان هستند ایشان از برجسته ترین و با هوش ترین و پیشقدمترین سایر شاگردها بوده اند. بعد از مدتی يك مدرسه ای در تهران درست میشود که مرحوم مظفرالدین شاه در سفر سوم فرنگستانش این مدرسه را که بنام مدرسه مهندسی فلاحتی بود درست میکند و معلمینی از بلژیک و فرانسه میآورد و تقریباً اول مدرسه بوده است که با اصول تدریس اروپا درس میداده است. در آنجا شروع بکار میکند و تحصیلاتشان در علوم طبیعی و ریاضی و سایر قسمتها که درس داده میشده است ایشان بهترین شاگرد بوده اند و بعداً به تکمیل فقه و اصول و حکمت و فلسفه می پردازند و در این علوم و فنون مبرزیت هائی و پیشقدمی های بسیاری پیدا میکنند و بالاخره پس از طی این مسائل در موقعی که مرحوم مشیرالدوله میرزا حسن خان مشیرالدوله اولین تشکیلات قضائی ایران را میدادند و عناصر صالح و مبرز و پاک را در مملکت جمع میکردند در بین ۷۰ نفر که در آنوقت امتحان میدادند و آقای شریعت زاده بموجب حکم وزارتی که در دست دارند و در خود حکم ذکر شده است در امتحان شاگرد اول میشوند و پس از مدت مختصری معاون مدعی العموم استیناف میشوند و پس از فاصله کمی میشوند مدعی العموم و دادستان بدایت تهران و بعد در آن موقع اول مستشاری که از اروپا آمد و مردی بود که دکتر در حقوق بود و اهل فضل و علم و دانش بود بنام پرنس دادبان با ایشان همکاری میکنند و در نتیجه همکاری با ایشان شروع میکند بمطالعه در حقوق و فلسفه و سایر چیزها و با اینکه راه ترقی در خدمت عدلیه برای ایشان باز بوده است برای آنکه در آنوقت احتیاج مبرم به داشتن يك وکلای مبرز و صالح بوده است ایشان وارد وکالت عدلیه میشوند و نطق های ایشان در مسائل جزائی و حقوقی و دفاع های ایشان از شاهکارهای دوره قضائی است و آقایانیکه با وزارت داد گستری آشنا هستند میدانند که ایشان صاحب يك عقایدی هستند که آن عقاید در خیلی از موارد مورد توجه خیلی از قضات عالی مقام است ایشان پس از طی این مراحل مجدداً در وزارت عدلیه وارد

خدمات می‌شوند و بسمت ریاست کابینه که مطابق تشکیلات آن روز رئیس کابینه سمت معاونت وزارت عدلیه را هم داشته است مجدداً داخل دوره وکالت دعای می‌شوند تا بالاخره در دوره پنجم تقنینیه مردم مازندران از نظر سوابق علمی و فاضلی و خانواده گنی کاملی که ایشان داشتند و روحیه اخلاقی و خانواده گنی ایشان را که میدانستند ایشان را انتخاب می‌کنند و خدمات ایشان در دوره پنجم بر تمام کسانی که آگاه هستند و در آن موقع همکاری داشته اند روشن است و آثار فکری و فاضلی ایشان و شرکتشان در کمیسیونهای دادگستری در آن موقع است و ایشان در آن موقع بسمت نیابت ریاست مجلس شورای ملی و نیابت ریاست آقای مؤمن الملک پیرنیا انتخاب شده بود و در آن ادوار پرهیجان مجلس شورای ملی که آقایان بخاطر دارند در آن روزهای پرهیجان و سخت قانون محاکمه وزراء که باتکاء همان قانون الان گزارشی بعرض مجلس میرسد از افتخارات ایشان است که در طی يك نطق‌های پرهیجان قبل از دستور يك طرحی را به مجلس شورای ملی تقدیم کردند و تقریباً همان طرح مورد تصویب مجلس واقع شد. ایشان در تمام دوره‌ها و بعداً هم در تشکیلات جدیدی که در زمان داور داده شد ایشان با رتبه ۱۰ قضائی بسمت معاونت مدعی العموم اول دادستان دیوان کشور انتخاب شدند منتها خودشان خدمت در مجلس را ترجیح دادند و در تمام دوره خدماتشان آن شایستگی و پاکدامنی و شجاعتشان مسلم و معروف است و روی همین نظر بواسطه مقاومتی که در کار شرکت طبرستان یا طبری بوده است در کار مربوط به وراثت مرحوم سپهسالار در مقاومت با خلاف قانون نشان دادند مورد غضب اولیای وقت واقع شدند و البته در نتیجه آن بی‌مهری‌هایی که با ایشان ظاهر شد نتوانستند برای دوره بعد انتخاب شوند و مجبور شدند ایران را ترک کردند و مدت‌ها در اروپا با يك وضع خیلی نا مطلوبی زندگانی می‌کردند و ملاقات خودشان را در کار حقوق و فلسفه ادامه میدادند و پس از امر اجتم بافران هم رفقا میدانند که بلافاصله بازداشت شدند و آمدنی در توقیف بودند بعد از رهایی از توقیف هم

برای همه ملاقاتشان ممنوع بود و حتی دوستان ایشان هم ملاقات نمی‌کردند و ملاقات با ایشان خودداری می‌کردند. تادر دوره ۱۴ تقنینیه با اینکه خود ایشان در ضمن يك نطق مفصلی بعرض مجلس شورای ملی رساندند که عوامل مؤثر در کارش داشته بوده که ایشان انتخاب نشوند ایشان از نظر همان سوابق فاضلی و خانوادگی و فامیلی که داشتند بنمایندگی مازندران انتخاب شدند و اینک هم در صف نمایندگان مات اینجا حضور دارند و تصور میکنم با توجه به مختصر تاریخچه از زندگانی ایشان که عرض کردم و اغلب آقایان مفصلاً زندگانی ایشان را میدانند جای بحث نباشد که مردم مازندران از روی کمال میل و طیب خاطر برای اینکه يك نماینده مبرز و شایسته داشته باشند و بتوانند آن نماینده حوائج مازندران و کشور را بر آورده کند ایشان را انتخاب کرده اند (صحیح است) معهداً گمان میکنم رفقای عزیز من اعضای شعبه ۲ بهتر بود يك کمی دقت و توجه بیشتری می‌کردند و این گزارش را که مبنی بر رد اعتبار نامه ایشان است بمجلس نمی‌آوردند خاصه که بنده اینطور اطلاع حاصل کردم که این رأی مبنی بر رد اعتبارنامه آقای شریعت زاده باتکاء آن که چند رأی مطلق برای ملک زاده آملی محسوب شده به رأی ۶ نفر از اعضای شعبه بوده است

نقابت چند رأی؟

کاظمی - ۶ رأی از ۱۱ رأی بوده است ضمناً بنده موقع را مغتنم می‌شمارم و بعرض آقایان میرسانم که بنده به آقای ملک زاده آملی که شکایت ایشان باعث این پیش آمده شده نهایت احترام را می‌گذارم و ایشان را مرد خوبی میدانم و سوابق هم با ایشان دارم و نمیخواهم نسبت با ایشان عرضی کرده باشم ولی البته این احترام و ارادت من نسبت به آقای ملک زاده آملی مانع از این نیست که ارادت بیشتری با آقای شریعت زاده داشته باشم و ایشان را ذبحق بدانم و گزارش شعبه را صحیح می‌دانم. موضوع شکایت این است که يك عدم آرائی که علی‌اکبر ملک زاده آملی نبوده و بطور مطلق بوده آنها بحساب آراء آقای ملک زاده آملی محسوب نشده و بطوریکه آقای ملک زاده در ضمن يك کتابچه منتشر کرده اند و آن کتابچه را

بنده قرائت کردم ایشان خودشان را مالک آن آراء میدانند و میگویند که این آراء مال من است حالا از نظر حقوقی این را مورد بحث قرار نمیدهیم که آراء مال کسی نمیتواند باشد و آراء مظهر تمایل مردم است نسبت به يك کسی و حالا این را هم مورد بحث قرار نمیدهیم ولی همه آقایان قطع دارم که توجه دارند که ماده ۳۳ قانون انتخابات روشن و صریح معین کرده است که رأی رأی دهنده نسبت به منتخب باید واضح و صریح و بدون شک باشد و مقامی را هم که قانوناً صلاحیت داده است نسبت به مردود بودن یا صحیح بودن يك رأی قضاوت بکند انجمن نظار است و انجمن نظار که بر طبق قانون انتخابات از معتمدین محل انتخاب شده و به او يك قدرت قانونی عطا شده که رأی او و نظر او نسبت به عدم صحت انتخابات و صحت انتخابات يك حق قاطعی است و يك کسی که آن نظر را از او گرفت حق حضور در مجلس شورای ملی را دارد و تا وقتی که اعتبارنامه اش رد نشده است حق رأی و شرکت در امور را دارد این بدون فلسفه نیست این روی يك جهات و دلایل بسیاری است چرا؟ برای اینکه يك اوضاع و احوال و يك مسائلی است که آن مسائل را جز انجمن نظار که از معتمدین مردم هستند و از نزدیک به اوضاع و احوال مردم آشنا هستند بر دیگری این حقایق روشن نیست او است مقامی که حق دارد و صلاحیت دارد که در اینکار قضاوت کند وقتی که ما قبول کردیم که مطابق ماده ۳۳ قانون انتخابات باید آراء صریح و روشن باشد و آراء غیر صریح نباید بحساب بیاید و وقتی قبول کردیم که مرکز صلاحیت دار این تشخیص انجمن نظار است پس رأی انجمن نظار را که تا يك دلایل خیلی محکمی نباشد نمیتوانیم رد کنیم و البته رأی انجمن نظار بالاترین آراء و مهمترین مقامی است که میتواند بواسطه احاطه بر اوضاع و احوال محلی و بواسطه اطلاعات خودش بواسطه نزدیکی و توجه بان اوضاع میتواند قضاوت بکند. آقایان خوب میدانند که در مجلس شورای ملی آقای علی‌اکبر ملک زاده معروف بوده اند به ملک زاده آملی و البته این شهرت در مجلس شورای ملی

نسبت به آقای ملک زاده آملی مانع از این نیست که دیگری هم ملک زاده آملی باشد. امروز مخلص که در محضر آقایان هستیم همه میگویند کاظمی و در همه جا هم نوشته میشود کاظمی ولی کاظمی‌های بسیاری هستند که مقام مهمی دارند و شخصیت‌های زیادی دارند معروف بودند بنده در مجلس شورای ملی به کاظمی مانع از آن نیست که کاظمی‌های دیگری هم باشند ولی وقتی ممکن است من آن کاظمی باشم که با يك اسمی بمن اطلاق بشود و گفته شود سید مصطفی کاظمی و اگر از راه اغفال يك موقعی نوشته شود کاظمی تنها کاظمی‌های دیگر هم حق دارند بگویند ما هستیم خیلی نظر من واضح و روشن است البته همه آقایان میدانند که در آمل آقای علی اصغر ملک زاده آملی آقای عبدالله ملک زاده آملی آقای نعمت‌الله ملک زاده آملی

نقابت - اینطور نیست آقای

کاظمی - خوب تشریف بیاورید اینجا صحبت بفرمائید بنده با کمال خونسردی بیانات شما را گوش میکنم. پس وقتی يك اشخاصی میگویند که وقتی که ما ملک زاده آملی نوشتیم مقصودمان آقای علی‌اکبر ملک زاده آملی نیست یا مقصودمان علی اصغر ملک زاده آملی است یا عبدالله ملک زاده آملی است و مقام صلاحیت داری که تشخیص بدهد که آیا این رأی مشکوک و مورد تردید است یا نه این انجمن نظار است انجمن روی اوضاع و احوال این آراء استشنا کرده است و مجزی کرده است و حساب نکرده همانطوریکه آراء شریعت زاده مطلقاً راهم حساب نکرده است و میزان کم و زیادی رأی چنانکه آقای شریعت زاده اظهار کرده اند تأثیری در این اصل ندارد و اینکه آقای ملک زاده فرمودند که علی اصغر یا عبدالله یا سایر ملک زاده آملی ها کاندیدا بوده اند این هم مانعی ندارد در شهر تهران يك آقای مؤمن الملک پیرنیا هزاران دفعه نوشتند که من کاندیدای مجلس شورای ملی نیستم ولی اهالی تهران برایشان رأی دادند و تا اینکه تمام اشخاص دیگری که در نقاط مختلف بهشان رأی داده شده است همه آنها کاندیدا بوده اند؟ این دلیل نیست خلاصه تصور

میکنم که خود آقای مصدق کینند و آقای علی اکبر آملی را مرد منصفی میدانم و در این موضوع هم شخصاً با ایشان مضاحبه کردم و ایشان هم با عقیده من موافقتند که آقای شریعت زاده مرد مبرز است و انتخاب او برای مازندران مورد احترام است و شخصیت او مورد بحث نیست منتها در امر انتخابات شکایت داشتند که انجمن نظار کار خوبی نکرده است و آراء مطلق را که متعلق به ایشان بوده و به تشخیص ایشان مال ایشان بوده بحساب نیارده و آقای شریعت زاده انتخاب شده اند به تشخیص بنده قسمت اول فرمایشات ایشان صحیح است و قبول دارم ولی فرمایشات دیگرشان را چون دلیل نداشتند نمیتوانم قبول بکنم این است که من با متوجه کردن آقایان نمایندگان باین که این حرف حسابی نیست و این نظر نظری است که از روی دقت بسیاری اتخاذ نشده است و با شخصیت و سوابقی که آقای شریعت زاده دارند و با توجهی که مردم مازندران بایشان دارند حقاً بایستی ایشان را نماینده مازندران بشناسیم و این نظر شعبه را مردود بدانیم و به نمایندگی ایشان رأی بدهیم این است خلاصه عرایضم و چون آقایان دیگر هم مطالبی دارند وارد طول و تفصیل دیگری نمیشوم و باقی را با آقایان دیگر و اگذار میکنم.

نایب رئیس - آقای اقبال

اقبال - بنده موقعی که اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری مطرح بود اجازه خواسته بودم که در باب انتخابات بابل چند کلمه ای بمرض مجلس برسانم ولی متأسفانه نوبت به بنده نرسید و اعتبارنامه ایشان هم از دستور خارج شد بنده عضو شعبه ۲ هستم و از کم و کیف انتخابات بابل و جریان کار و فوعل و انفعالاتی که آنجا شده است بسیار خوب مستحضرم و تمام قضایا را الآن در حضور نمایندگان ملت و آقایان تماشاچیها بمرض میرسانم و ممکن است در نتیجه مخالفت بنده با اعتبارنامه آقای شریعت زاده نظر بنده یعنی در اعتبارنامه ایشان وصحت خبر شعبه مورد تصویب مجلس واقع بشود و ممکن هم هست که مورد تصویب مجلس قرار نگیرد و با تمام این توضیحات که بنده خواهم داد اعتبارنامه ایشان تصویب شود و امیدوارم که

بهیچوجه متأثر نشوم و امیدوارم که آقایان هم نگویند بنده بور شدم در این کار (خنده نمایندگان) آن روز ضمن صحبت های آقای شریعت زاده و آقای یمن اسفندیاری و دیگران تمجید زیادی از آقای مجد استنادار سابق مازندران کردند و مورد قبول همه آقایان هم قرار گرفت و خود بنده هم نسبت بایشان همین عقیده را دارم. حالاً هم بنده میخواهم دو کلمه راجع به استنادار فعلی مازندران عرض بکنم و آن این است که تمام این تشنجات که در انتخابات مازندران چه در ساری و چه در آمل و بابل شده است تمام در نتیجه سوء سیاست و ناپاکی این استنادار فعلی مازندران است و بنده تعجب میکنم با وجودی که رشوه خواری و ناپاکی این مرد همه کس معلوم است و دولت هم بهتر از همه کس این را میدانند این شخص باز در آنجا فرمان روائی میکند و استنادار است (صحیح است) در جریان این دو سه روز که موضوع بابل مطرح است مکرر برخی از آقایان رفقا و دوستان عزیز مخصوصاً آقای مرآت اسفندیاری که سراپا احساسات و دارای قلب پاکی هستند به بنده مراجعه میکنند و میگویند این جریان تقصیر نیست.

فاطمی - صحیح است (خنده نمایندگان)

اقبال - و همچنین آقای بیات این را فرمودند من برای اینکه مطلب برای آقایان روشن شود این قضیه را شرح میدهم وقتی که پرونده انتخابات بابل بشعبه دوم رسید ما از نتیجه انتخابات خیلی نگران بودیم برای اینکه چهار نفر در انتخابات آنجا دارای اکثریت رأی بودند اول آقای یمن اسفندیاری - دوم آقای خلعت بری سوم و چهارم باختلاف آقای ملک زاده و آقای شریعت زاده آقای ملک زاده شکایتی بمجلس تقدیم کرده اند (یعنی بشعبه) که بسیار مؤثر و صحیح بود در عین حال شعبه معتقد بود و خود بنده هم معتقد بودم که آقای شریعت زاده از نظر شخصیت و سوابق بسیار شخص لایق و برانزده ای برای نمایندگی مجلس هستند (نمایندگان صحیح است) ولی این لیاقت و شخصیت دلیل این نمیشود که حقوق مشروع دیگران از بین برود و پایمال بشود. اغلب از آقایان رفقا تصمیم گرفتند که در این

باب يك فکری بکنند که هم حقوق و احترام آقای ملک زاده محفوظ بماند و هم آقای شریعت زاده بکرمی نمایندگی مجلس بنشینند خود بنده در چندین جلسه با حضور آقای کاظمی و آقای ملک مدنی و آقای آقا سید کاظم و آقای یمن اسفندیاری و آقای نقابت با آقای ملک زاده آملی صحبت کردیم بالاخره قرار شد که اگر شعبه دوم نمایندگی آقای ملک زاده آملی را تصدیق بکنند و این اعتراف را در خبر خود بکنند که آرائی که کسر شده است حق آقای ملک زاده است آقای ملک زاده بنفع آقای شریعت زاده از نمایندگی استعفا بدهد که نفر چهارم بودند چندین جلسه با ایشان صحبت شد و آنها متقاعد نشدند ولی بالاخره این استعفا را آقای ملک زاده نوشتند و بهمین کیفیت به بنده تسلیم کردند و شعبه دوم هم مشغول رسیدگی و تحقیقات خودش بود يك روز اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری و موضوع آقای خلعت بری و کار آقای شریعت زاده هر سه در شعبه مطرح شد عدده شعبه ۱۰ نفر بودند اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری با کثرت تصویب شد مال آقای خلعت بری هم با کثرت تصویب شد و قتیکه نوبت به مال آقای شریعت زاده رسید بعضی از رفقا تقاضای رأی مخفی کردند و همین طور عمل شد رأی گرفته شده نفر موافق بود و سه نفر مخالف و دو نفر ممتنع یعنی ورقه سفید داده بودند این اکثریت حاصل نشده بود شعبه هم در وظیفه خودش قصوری نکرده بود البته این اصلاح چند روزی طول کشید کم کم آقای یمن اسفندیاری بصدا درآمد و حق هم داشتند گفتند که اعتبارنامه ما چرا مطرح نمیشود با بنده صحبت کردند و با آقای امینی مخبر شعبه تلفون کردند و درخواست حقی بود که اگر اختلافی هست بین نمایندگان آقای ملک زاده و آقای شریعت زاده است ارتباطی به نمایندگی آقای یمن اسفندیاری و آقای خلعت بری نداشته و ندارد پس از اینکه يك روز آقای امینی با بنده صحبت کردند و فرمودند که تو در این قضیه چطور اظهار نظر میکنی.

امینی - بنده بخاطر ندارم.

اقبال - خیر بخاطر دارید توی سر سرا گفتید که تو چطور اظهار نظر میکنی اگر خبر شعبه راجع بان انتخاب

آقایان بیاید بنده گفتم هیچ مربوط بهم نیست و اشکالی ندارد شعبه این خبر خودش را بمجلس داد یعنی خبر نمایندگی آقای یمن اسفندیاری را بمجلس داد اگر آقای نقابت با اعتبارنامه ایشان مخالفت میکردند بنظر من جا داشت و حق هم داشتند بدلیل اینکه استعفا آقای ملک زاده گرفته شده بود و ایشان جا داشت که در این باب نگران باشند ولی آقای شریعت زاده در این باب حق نداشتند که مخالفت بکنند و این جا نسبت هائی به آقای یمن اسفندیاری بدهند که بهیچ وجه شایسته ایشان نبود در خلال این مدت باز هم شعبه تشکیل شد و آقای فرمانفرمائیان رئیس شعبه شاهد هستند که اولین کسی که در شعبه حاضر می شد بنده بودم ولی اکثریت حاصل نمی شد آنروز که این مخالفت ابراز شد نسبت با اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری آقایان رفقای آقای شریعت زاده اقداماتی کردند و تهیه رأی مخفی کرده بودند که آن رأی مخفی هم اشکال داشت و اصلاً ترتیب آن رأی مخفی را هم بنده مطلع شدم در بیرون اینطور بنظر آقایان رسید که خوب است اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری از ردیف خودش خارج شود و اعتبارنامه آقای شریعت زاده مطرح شود که در حقیقت يك گروهی شده باشد که اول موضوع آقای شریعت زاده در مجلس حل شود پس از آن نوبت با آقای یمن اسفندیاری برسد.

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقا

اقبال - در خارج هم آقایان شریعت زاده و آقای یمن

اسفندیاری با هم معانقه کردند

یکی از نمایندگان - بفرمائید تبانی کردند

یکی دیگر از نمایندگان - این حرفها چی است آقا

اقبال - بنده عرض میکنم که اعتبارنامه آقای یمن

اسفندیاری ابدأ ارتباطی با اعتبارنامه آقای شریعت زاده ندارد

اما چرا با اعتبارنامه آقای شریعت زاده بنده مخالفتم مطالبی

آقای کاظمی راجع بشخصیت آقای شریعت زاده فرمودند

که محل انکار کسی نیست و هیچکس مخالف با فضایل آقای

شریعت زاده نیست بنده باشخص آقای شریعت زاده مخالف نیستم با

جریان کار مخالفم و قتیکه انتخابات مازندران تمام شد بنده اول کسی بودم که با آقای ملک زاده آملی تبریک گفتم خبر دوم این بود که نمایندگان آقای یمن اسفندیاری مجرزشده و نسبت به بقیه مشغول رسیدگی و تحقیقات هستند بنده - اگر بمجلس عرض کنم که من اطلاع صحیح دارم امیدوارم باور کنید که حتی مأموری که بمازندران رفت و میشناسم آن مأمور را که رفت برای اینکه رأی آقای ملک زاده را کسر کند و آقای شریعت زاده انتخاب بشوند و یادداشت آقای سهیلی نخست وزیر وقت هم نزد آقای نقابت است که اگر وقت شد و نوبت بایشان رسید قرائت خواهند کرد دلیل بنده این است که این آراء را بعد از قرائت عوض کرده اند یعنی نه اینست که انجمن تصمیم گرفته باشد قبلاً از آراء کسر بکنند بلکه پس از آنکه آراء خوانده شد کسر کرده اند مأمور که یکی از مستخدمین نظمی است بیابیل رسید آنوقت شروع کردند و این عمل را انجام دادند در هر صورت این صحبت ها را بنده از نظر آقای نقابت نمیکنم زیرا از ایشان هم خیلی کله مندم و این صحبت ها را که میکنم فقط از نظر آقای ملک زاده آملی است و مجلس نباید راضی بشود که در تحت این عنوان که آقای شریعت زاده شخص لایق و آبرومندی هستند حق دیگری پایمال بشود.

مخبر - عرض کنم بنده از مذاکرات آقای اقبال آنچه قبول میکنم و می پذیرم البته اعتراضی است که باین رویه شده است که چرا پرونده که مربوط به آقای یمن بوده است و آقای خلعت بری بعد از آقای شریعت زاده مطرح شده آنچه بنده تصور میکنم چون در آخر جلسه قبل اعتبارنامه آقای شریعت زاده مطرح بود دنباله آن کشید باین جلسه و الا نظر دیگری تصور نمیکنم باشد و بنظر بنده واقعاً جریان اعتبارنامه هائی که باین وضعیت میرسد و مدتی وقت مجلس را تلف میکنند و واقعاً اگر بحساب دقیق برسید هر ساعتی این مجلس برای ملت دوازده هزار تومان خرج دارد باید صرف یک اعتبارنامه بشود و این هم بنظر بنده نقص و بدی قانون انتخابات است که الان هم با آقای بیات بنده صحبت کردم فرمودند که خود دولت

هم در صدد است و الان هم کمیسیون مشغول است که اصلاحی در این قانون بعمل آید که در آتیه شاید مجلس با سهولت بتواند راجع باعتبارنامه ها قضاوت کند در موضوع بیوگرافی که آقای کاظمی راجع با آقای شریعت زاده فرمودند کاملاً صحیح است ولیکن شعبه هم بدون اطلاع تصمیمی نمیگیرد آقای شریعت زاده البته از فضلا و دانشمندان و شخص مطلع و مبرز هستند ولی شعبه رأی که داده است روی پرونده بوده است و آنچه که بنده مطالعه کردم و آقایان اعضاء شعبه نهایت صمیمیت را با طرفین داشته اند و اگر رأی داده اند رأی صحیحی بوده است و بنده خودم رأی نداده ام و بعد عرض میکنم پس چرا رأی که شعبه داده است صحیح است زیرا بدون این که آنجا دلائل صحیح ذکر شود از آراء آقای ملک زاده آملی در حدود چهار هزار و خورده کسر شده است و این کسر آراء را هم بعد از شش روز که مشغول قرائت آراء بوده اند و جریان انتخابات و انجمن مرکزی ادامه داشته است کسر کرده اند و بنابر این و کم و بیش این جور مینماید که نظری داشته اند که طرفداری از آقایان بشود چه عرض کنم ولی البته بنده باین عمل و رأی دادن و بر له و علیه آقای شریعت زاده اقدام نکردم و یک شرحی نوشتم بیابیل آنها جوابی که دادند کاملاً حق با آقای شریعت زاده بود و جواب داده بودند که آقای شریعت زاده مردی شریف و وکیل طبیعی مازندران هستند (صحیح است) دیروز هم دو نفر از نمایندگان فروش روزنامه خود بنده از بابل آمده بودند از آنها هم تحقیق کردم آنها هم اظهار کردند که آقای شریعت زاده که وکیل طبیعی مازندران هستند البته بنده نمیخواهم این موضوع در اینجا کتمان بشود و علت اینکه در دفعه اول بنده رأی ندادم باور بفرمائید برای این بود که اطمینان نداشتم که بکدام طرف رأی دهم و در دفعه دوم هم روی همین موضوع امتناع کردم ولی متأسفانه این خبر ها بر بنده رسیده و البته اگر زودتر ببینده رسیده بود کاملاً جزء موافقین آقای شریعت زاده بودم این مختصری که عرض کردم برای اطلاع آقایان بود که خواستم جریان قضیه را عرض بکنم باشم (صحیح است)

جمعیتی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

هاشمی - اجازه میفرمائید.

نایب رئیس - بفرمائید.

هاشمی - البته بنده پرونده مازندران را دیدم خیلی قطور و زیاد است ولی بالاخره شعبه رأی را که داده است برای این بوده که این دوسیه را که از یک مرکز صلاحیتدار ملی بوده است ملاک و مستند قرار داده و روی آن رأی داده است بنمایندگی دو نفر آقایان و سومیش را رأی نداده است بنده نمیگمانم این تبعیض از کجا پیدا شده اگر شما به آن مقدمات مفصلی که در پرونده بود زیاد بررسی نکردید و باقرائنی که در دست بود بالاخره رأی انجمن را تصدیق کردید چطور در آن دو مورد تصدیق کردید و در مورد آقای شریعت زاده رد کردید آخر یک بام و دو هوا چه معنی دارد و حالا کار به عقیده خود ندارم ما باید پرونده شناس باشیم نه شخص شناس بنا بر این وقتی ملاک و مستند پرونده را قرار دادید چطور میشود که شعبه بدو نفر رأی موافق و یک نفر رأی مخالف این معنی ندارد.

جمعیتی از نمایندگان - آقا مذاکرات کافی است.

نقابت - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

نایب رئیس - مخالفید بفرمائید.

نقابت - جهت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این

است که دو فقره سند دارم که بعرض آقایان برسانم یکی با خط و امضای آقای سهیلی است یکی هم با خط و امضای آقای شریعت زاده است اگر میل دارید بعرض آقایان برسانم زیرا چهار هزار و چهارصد رأی بکنفری را کسر کردند و بایستی مجلس در این موضوع رسیدگی بکند شما برای هشت رأی و ده رأی رسیدگی میکنید این را هم بایستی موافقت بفرمائید که رسیدگی شود.

نایب رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض میکنم مذاکرات به اندازه کافی شده بقیه بنده هر چه مذاکره بشود تکرار است از آن گذشته رأی شعبه هم که مطابق میل آقا بوده است دیگر مذاکره

کردن و تکرار مطالب لزومی ندارد.

نایب رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند

قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد تذکر عرض می کنم در موقعی که رأی گرفته میشود آقایانیکه به خبر شعبه رأی میدهند رأی ایشان مستلزم رد نمایندگان آقای شریعت زاده است. آقایانیکه با خبر شعبه راجع برد نمایندگی آقای شریعت زاده موافقت قیام فرمایند (کسی قیام نکرد) خبر شعبه رد شد. رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای شریعت زاده آقایانیکه موافقت دارند بر خیزند (اغلب بر خاستند) تصویت شد. مذاکره راجع به اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری است مخالفی نیست (خیر) موافقین با اعتبارنامه آقای یمن اسفندیاری بر خیزند (اغلب بر خاستند) تصویب شد. گزارش راجع به اعتبارنامه آقای خلعت بری از بابل مطرح است آقایانیکه بصحت انتخاب آقای رحمان قلبی خلعت بری از بابل موافقت قیام فرمایند (اغلب بر خاستند) تصویب شد. اگر اجازه میفرمائید گزارش مربوط به آقای تهرانی مطرح شود. بعضی از نمایندگان کان - فیروز آبادی - مقدم است. بترتیبی که قرائت شده است مطرح میشود آقای اردلان

۵ - مذاکره و تصویب نمایندگی آقایان حسین طهرانی و فیروز آبادی

اردلان - عرض میکنم موقعی که در مجلس شورای ملی

بر حسب پیشنهاد آقای فاطمی اینطور تصمیم گرفته شد که نسبت به اختلاف آراء آقای علی اصغر حکمت و آقای تهرانی در شعبه رسیدگی شود بنده فکر میکردم که بسیار مأموریت مشکلی است که از طرف مجلس به شعبه او گذار شده معذراً در همانجا بنده خودم برای خودم تصمیم گرفتم که چون این مأموریت از طرف مجلس شورای ملی بشعبه مراجعه شده است من با کمال دقت و از روی بیطرفی به این امر رسیدگی بکنم و به بینم اگر مقدور است یک گزارش صحیحی بعرض مجلس شورای ملی برسانیم اتفاقاً آقایان اعضاء محترم شعبه هم همین نظر را پیدا کردند و در تمام جلسات مرتباً حضور پیدا کردند و یک سو کمیسیون هم برای اینکار تعیین شد بنده خودم هم عضو

آن شعبه فرعی بودم آمدیم و مطالعات زیادی کردیم و برای اینکه درست از وضعیت مستحضر شویم تقاضا کردیم از حکومت طهران هم که کلیه دفاتر حوزه های انتخابی فرعی را که بالغ بر شصت دفتر بود بیاورند در شعبه مورد مطالعه بگذارند و به بینیم که وضعیت چیست شعبه تشکیل شد و تمام مطالعاتی که کردیم به آقایان محترم اعضاء شعبه پیشنهاد کردیم که گزارشی تقدیم مجلس شورای ملی بشود ما حسب الامر آمدیم رسیدگی کردیم و وقت کردیم مطالعه کردیم به این نتیجه رسیدیم که همان آرائی که انجمن نظارت انتخابات استخراج کرده همان آراء معتبر است و نمیتوانیم بطور قطع تشخیص بدهیم که آراء آقای تهرانی از آراء آقای حکمت بیشتر است ولی آقایان اعضاء شعبه موافقت نفرمودند و گفتند که ما بعرض مجلس شورای ملی میرسانیم که ما بطور صریح نمیتوانیم اظهار عقیده بکنیم هیچجده رأی چنانچه در دفاتر ملاحظه فرمودید بیشتر بوده ولی شعبه در این خصوص اظهار عقیده نمیکند و تصمیمش را میگذازد برای مجلس شورای ملی بنده اصولاً با این طرز فکر مخالف هستم و عقیده ام این است که اگر اشخاصی که در يك شعبه مأموریت پیدا میکنند باید بطور واضح عقیده خودشان را بعرض مجلس برسانند. و البته یکی یکی دفاتر و اسناد را که نمیشود بعرض مجلس رسانید و دفاتر را هم که مقدور نیست و بنده عقیده دارم که اگر ما نسبت به پانزده یا بیست رأی اظهار عقیده نکنیم و رسیدگی نکنیم چطور میتوانیم نسبت به پانصد میلیون ریال پول هائی که در وزارت خواربار خورده شده است رسیدگی کنیم و به بینیم که يك جو و گندمی خریداری شده است ولیکن معلوم نیست که چطور شده است و يك مقدارش را هم هر طور اگر امر بفرمائید رفتار شود بنده با این سلیقه کاملاً موافقم که وقتی که مامور يك کاری باشیم بگوئیم رقتیم رسیدگی کردیم دیدیم دوست هزار تومان فلان آقا برده این را باید از گلویش در آورد این عقیده بنده است بنده از آقایان اعضاء شعبه تقاضا کردم و امروز هم از مجلس شورای ملی تقاضا میکنم که همان رأی که انجمن نظارت انتخابات

اعلام کرده است همان را ماخذ اصلی قضاوت قرار بدهید و برای اینکه قضیه برای آقایان روشن شود بنده جزء بجزء قضیه را بعرض آقایان می رسانم عرض می کنم روز اولی که ما شعبه را تشکیل دادیم فرماندار طهران را که مطابق قانون انتخابات ناظر انتخابات و در آنجا همه وقت حضور داشته او را هم خواستیم او آمد و اول حرفی که در مقابل آقایان اعضاء شعبه زد گفت آقایان نمایندگان من بشما میگویم که این دفاتر بهیچوجه ارزش ندارد و این حرفی است که فرمانداری که مسئول انتخابات است این را گفت من این حرف را بفرماندار زدم که این حرف شما صحیح است ولی ما هم باید رسیدگی کنیم و به بینیم حقیقت قضیه چیست در همانجا متوجه این نکته شدیم که شش تا دفتر آورده بودند در شعبه حاکی از انتخابات سه حوزه بود سه دوتا شش تا بنده تقاضا کردم ایشان هم بلافاصله فرستادند بحوزه که اختلاف مشاهده میشد شش دفتر آوردند و بعد برای تمام انتخابات حوزه های تهران که ۲۰ تا بوده است ۶۰ تا دفتر آوردند که در تمام این شصت دفتری که ما نگاه کردیم در جمع این سه دفاتر هیچ اختلاف نبود دفتر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ بالای این نوشته است و همینطور آن یکی و آن یکی که هیچکدام اختلاف نداشت بنده نمیدانم در قانون تجارت این موضوع هست یا نه ولی در بانک ها اینطور است که اگر يك دفاتری باهم اختلاف داشت آنکه با حروف نوشته شده ماخذ اصلی قرار میدهند و این دفاتر نه از حیث حروف و نه از حیث رقم باهم اختلافی نداشت و این جمعها ماخذ اصلی آرائی بود که انجمن مرکزی انتخابات روی آن اعتبار نامه صادر کرده بود بعد آمدیم گفتیم که این اختلاف را رسیدگی کنیم دو چیز این چهار ابوجود میآورد یکی آرائی بود که مردم داده بودند و یکی خطوطی بود که در آن دفاتر بود و آراء را که انجمن نظارت انتخابات بموجب قانون نظر باینکه انتخابات تمام شده بود این آراء را سوزانیده بودند بنابراین این مدرك که به اصل آراء رجوع کنیم و بتوانیم روی او

حکمت کنیم نبود تنها وسیله و مدركی که برای ما وجود داشت خطوطی بود که در این دفاتر بود و برای استحضار آقایان عرض میکنم که این دفاتر دو جور بود یکی دفاتری بود که سفید بود یکی دفاتری بود که توی آن خطوطی کشیده بودند هر مریعی علامت چهار رأی و اگر يك ضرب در داشت نشانه شش رأی و اگر دو ضرب در داشت علامت هشت رأی و اگر يك خط زده بودند علامت يك رأی بود و دو خط علامت دو رأی ما گفتیم که خوب است که این خطوط را مقابله کنیم وقتی خطوط را باهم مقابله کردیم دیدیم اختلاف دارد بهر حال هر سه دفتر در خطوط باهم اختلاف داشت ولی در جمع یکی بود و بالاخره گفتند که يك کدام از این دفاتر ها که خطش بیشتر است او را ماخذ قرار بدهند در این دفتر هیچجده خط اضافه دیدیم و حالا هر طور که مجلس شورای ملی رأی بدهد بدهد صحیح است تمام این جریاناتی که بنده عرض کردم برای بنده دلیل ثابتی بوجود نیامد که به بینیم آقای تهرانی هیچجده رأی اضافه از آقای علی اصغر حکمت دارند و بنظر بنده همانطور که انجمن تشخیص داده است که آقای حکمت نفر سیزدهم است همان رأی صحیح است برای اینکه ما مدارکی برای نقض آن در دسترس نداریم حالا ما بیائیم و این سابقه را بگذاریم بنده خیال نمیکنم صلاح باشد الا پنج نفر نماینده در مجلس شورای ملی دارید که اعتبارنامه آنها نگذاشته است فرضاً شیراز اگر يك نفر لزشیراز آمد و گفت نفر پنجم که آقای امام جمعه نوشته اند من هستم و ایشان نیستند بیائید رسیدگی بکنید اگر بگوئید ما نمیتوانیم خواهد گفت که چرا در مورد آقای تهرانی رسیدگی کردید و همینطور ما نه نفر و کیل تفاوت هر يك راهم که نگاه کنیم می بینیم ده دوازده بیشتر نیست بنابراین حق دارند بگویند که شما مطابق این سابقه عمل کنید حالا اثر خارجی این موضوع راجع به یکنفری که الا آن در ایران نیست و بسمت نمایندگی دولت ایران رفته است به هندوستان شما فرض بفرمائید يك دولت خارجی یکی از وکلای مجلس شورای ملی خودش را بفرستد به ایران و بیاید در این مملکت مشغول تماشا شود

که موزه را به بیند وزارت فرهنگ دعوتش کند و بعد يك مرتبه رویتر خبر دهد که این وکیل مجلس آرژانتین را که شما مامورش کرده اید و رفته است به ایران این نماینده مجلس شورای ملی نیست اصلاً اعتبارنامه اش را لغو کردند آنوقت ملاحظه بفرمائید چه اثر سوئی خواهد داشت و میگویند به بینید چه اختلاف فاحشی بین مجلس شورای ملی و يك دولتی وجود دارد اگر مجلس شورای ملی اعتماد داشت به دولت پس چطور میشود که اعتبارنامه يك نماینده رد شود آقایان مجله های رسمی وزارت دادگستری را ملاحظه بفرمائید که اگر يك کسی را بخواهند محکوم بسه ماه حبس کنند سه مرتبه چهار مرتبه اعلام می کنند که فلان روز محکمه تشکیل خواهد شد اگر حاضر نشوید حق شما ساقط میشود در مجلس شورای ملی که مرکز عدل است نباید این طور عمل شود و بنده نمیتوانم این را قبول کنم که بدون حضور آن شخصی که اعتبارنامه او مطرح است ما بیائیم او را حذف کنیم و اگر موضوع همین هیچجده خط باشد باز این عدالت نیست و تازه عین همان موضوعی است که چندی قبل آقای باثما نقلیچ بمجلس شکایت کرده بود که نسبت به ایشان و آراء ایشان اشتباهی شده است و آقای دکتر مرزبان هم تصدیق کرده بودند بنابراین مجلس شورای ملی بایستی نظر عدالت داشته باشد و يك رویه بدی را اتخاذ نکند بنده این را تصدیق و از هر کس هم تحقیق کردم دیدم جز تعریف و تمجید از آقای تهرانی چیز دیگری نیست و بنده هم خیلی عقیده دارم بایشان ولی يك اصل مسلمی را ما نباید از نظرمان دور کنیم و عدالت را از دست بدهیم اگر مجلس شورای ملی میخواهد به ایشان اظهار مرحمت بکند يك خلاف قانونی را اجازه ندهد عوض اینکه آقای تهرانی در ردیف نمایندگان بیاورند ایشان را وزیر مشاور بکنند آقای نخست وزیر و آقایان وزراء هم وقتی که دیدند مجلس شورای ملی بایشان تمایل دارند ایشان را می پذیرند ولی نباید ما يك سابقه بدی را در مجلس شورای ملی ایجاد کنیم بنابراین بنده عرایض خودم را در اینجا ختم میکنم و يك پیشنهادی هم تقدیم میکنم که رأی انجمن مرکزی ماخذ قرار داده شود

نایب رئیس - آقای فرخ

فرخ چون موقع گذشته است بنده مفصل صحبت نمیکنم
دلایل آقای اردلان بعقیده بنده چندان قابل توجه نیست
(صحیح است) برای اینکه ایشان میفرمایند اگر از یکی
از حوزه های انتخابیه يك شخصی بیاید راجع به انتخابات شکایت
بکند این قضیه دور پیدا میکند و بعدها هم تعقیب خواهد
شد این منطقی نیست راجع به میرزا حسین خان تهرانی مجلس
تصویب کرد و اجازه داد که بالاخص راجع باین موضوع
رسیدگی کنند پس بنا براین این دلیل ایشان وارد نیست و
سایر دلالتشان هم از روی منطقی نبود زیرا آقایان نمایندگان
و خود شعبه و خود انجمن چیزی را که بیشتر ملاک قرار میدهند
همان خطوطی است که در آنجا معین کرده است و بعقیده بنده
اعتراضات ایشان بهیچوجه وارد نیست و ماخذ همان خطوط است
(صحیح است)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - آقای نبوی هم اجازه خواسته اند.

نبوی - عرض بنده مختصر است عرض می کنم ملاکی که
قرار داده اند برای تغییر نظر انجمن آنها آن انجمنی که
این همه درش دقت کرده اند حالا میخواهند همان انجمن ها
را به استناد يك کاغذ هائی که در فرمانداری اقتاده است و
معلوم نیست ارزش آن کاغذها چیست و آن کاغذها امروز در حکم
کاغذ عطاری است و نمیشود به آنها استناد کرد و انجمن کمال
دقت را در موضوع انتخابات کرده است به اضافه نمایندگان
جرائد هم که در آنجا بوده اند صورت برداشته اند اشخاصی هم
که کاندید بودند صورت برداشتمند اصل در انتخابات هم عدد بوده
يك همچو نظر به تنظیم شده است و فرستاده شده است بمجلس
در مجلس آن صورت مجلس مورد نظر واقع شده است حالا به
استناد يك کاغذ هائی الخط مردم میخواهند آن کاغذها را ترتیب
اثر بدهند این بن خلاف مقررات است بنده قصد مخالفت
با آقای تهرانی نیست بنده ایشان را شایسته میدانم اگر این
قضیه هم در بین نبود باز ایشان وکیل بودند حالا بنده از تعطیل
انجمن و اینکه معلوم نیست این اوراق دو کجا بوده اند يك

نایب رئیس - آقای اقبال.

اقبال - بنده هم پس گرفتم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای

فیروز آبادی از تهران موافقین قیام فرمایند. (اکثر برخاستند)
تصویب شد.

(۶- تقدیم لایحه مربوط بترتیب امور زندان)

وزیر امور - (آقای بیات) يك لایحه ایست راجع

بترتیب زندان تقدیم میشود.

نایب رئیس - بکمسیون ارجاع میشود.

۷- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

نایب رئیس - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم

(صحیح است).

جلسه آینده روز سه شنبه دوازدهم اردیبهشت سه ساعت
پیش از ظهر و طرح پیشنهادی هم که يك عده از آقایان
نمایندگان هم تقاضای فوریت کرده اند در درجه اول
مطرح میشود.

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - امیر تیمور

فاطمی - این پیشنهاد غیر عملی است و بر خلاف

مقررات است ما باید روی راپرت شعبه رأی بدهیم و يك
موضوعی هم هست که اینجا آقای همکار محترم من باید رفع
نگرانیشان بشود موضوع این هجده رأی که اضافه میشود
چه بوده آقای طهرانى و کیل طهران است و ما هم در این
شهر طهران بودیم و همان روزی که این اشتباه پیش آمد
هم فهمیدیم دیگران هم فهمیدند و يك چیز هائی بود که بنده
فعلاً نمی خواهم اینجا عرض کنم اگر آقایان میل داشته
باشند بعرض مجلس میرسانم و بعلاوه آقای تهرانی اعتبار نامه
در دست دارد و رسیدگی باین آراء را هم مجلس رأی داد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای اردلان

موافقت قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) تصویب نشد
آقایانی که با گزارش شعبه اول راجع بنمایندگی حسین
تهرانی موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب
شد. گزارش شعبه راجع بوااعتبارنامه آقای فیروز آبادی

مطرح است.

آقای بروچی مخالفت نمودند.

روحنی مخالفت نمودند.